رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۵، شماره پیاپی ۱۲۲، مرداد ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(5), 2026

نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی در دانش آموزان مقطع متوسطه دوم

The Mediating Role of Basic Psychological Needs in the Relationship Between Helicopter Parenting and Emotional Well Being among Upper Secondary School Students

مینا نجفی
دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
محمّد باردل (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

Mina Najafi
PhD Student, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
Mohammad Bardel*
Assistant Professor, Department of Psychology and Counselling, Farhangian University, Tehran, Iran. m.bardel@cfu.ac.ir

چکیده
پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی در دانش آموزان انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بودند. با استفاده از یک نظرسنجی آنلاین ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس در این پژوهش مشارکت داشتند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس ارضاء نیازهای روانشناختی پایه (BPNSS؛ دسی و رایان، ۲۰۰۰)، مقیاس والدگری هلیکوپتری (HPS؛ لیموین و باچمن، ۲۰۱۱) و پرسشنامه بهزیستی ذهنی (SWBQ؛ کییز و ماگیارمو، ۲۰۰۳) استفاده شد. تحلیل داده‌ها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. نتایج بررسی برازش مدل دلالت بر این داشت که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار بود. یافته‌های مربوط به روابط مستقیم نشان داد که والدگری هلیکوپتری به‌طور منفی و نیازهای بنیادین روانشناختی به‌طور مثبت با بهزیستی هیجانی رابطه مستقیم داشت (P<۰/۰۵)؛ همچنین والدگری هلیکوپتری به‌طور منفی با نیازهای بنیادین روانشناختی رابطه مستقیم و معنادار داشت (P<۰/۰۵). علاوه بر این نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). یافته‌های این پژوهش دلالت بر این دارند که والدگری هلیکوپتری هم به صورت مستقیم و هم به واسطه نیازهای بنیادین روانشناختی بر بهزیستی هیجانی دانش‌آموزان اثر دارد.

واژه‌های کلیدی: *والدگری هلیکوپتری، نیازهای بنیادین روانشناختی، بهزیستی هیجانی.*

Abstract
This study aimed to determine the mediating role of basic psychological needs in the relationship between helicopter parenting and emotional well-being in students. The present descriptive-correlational study was conducted using structural equation modeling. The statistical population included second-year high school students in Urmia in the 2024-2025 academic year. Using an online survey, 200 people participated in this study using the convenience sampling method and answered the questionnaires. The Basic Psychological Needs Satisfaction Scale (BPNSS; Deci & Ryan, 2000), the Helicopter Parenting Scale (HPS; LeMoyne & Buchanan, 2011), and the Subjective Well-Being Questionnaire (SWBQ; Keyes & Magyar-Moe, 2003) were used to collect data. Data analysis was performed using structural equation modeling. The results of the model fit study indicated that the proposed model had a favorable fit. The findings related to direct relationships showed that helicopter parenting was negatively and basic psychological needs were positively related to emotional well-being (P<0.05); also, helicopter parenting was negatively and significantly related to basic psychological needs (P<0.05). In addition, the results of the bootstrap test showed that basic psychological needs played a mediating role in the relationship between helicopter parenting and emotional well-being (P<0.05). The findings of this study imply that helicopter parenting affects students' emotional well-being both directly and through basic psychological needs.

Keywords: *Helicopter Parenting, Basic Psychological Needs, Emotional Well-Being.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** اردیبهشت ۱۴۰۵ | **پذیرش:** اردیبهشت ۱۴۰۵ | **ویرایش نهایی:** مرداد ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

مقدمه

سلامت و بهزیستی هیجانی نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در زندگی شخصی و تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند و می‌تواند بر نحوه تجربه آنان از محیط آموزشی و تعاملات اجتماعی اثر عمیقی بگذارد؛ هنگامی که دانش‌آموزان از تعادل و ثبات هیجانی برخوردار باشند، معمولاً توانایی بیشتری در مدیریت فشارهای روانی و کنار آمدن با چالش‌ها و مشکلات روزمره مدرسه و زندگی دارند (بورسان و کاستلی[1]، ۲۰۲۲). همچنین در پژوهشی نشان داده شد که وضعیت پایدار هیجانی به آن‌ها کمک می‌کند تا هنگام مطالعه تمرکز بیشتری داشته باشند و بتوانند توجه خود را بهتر بر فعالیت‌های یادگیری معطوف کنند (انصاری و همکاران، ۲۰۲۵). در پژوهش دیگری نشان داده شد دانش‌آموزانی که از سلامت هیجانی مطلوبی برخوردارند، معمولاً انگیزه بیشتری برای انجام تکالیف درسی، پیگیری اهداف تحصیلی و تلاش برای پیشرفت در فعالیت‌های آموزشی از خود نشان می‌دهند. علاوه بر این، چنین دانش‌آموزانی بیشتر تمایل دارند روابط مثبت، سازنده و حمایتگرانه‌ای با همکلاسی‌ها و معلمان خود برقرار کنند که این امر به بهبود فضای یادگیری کمک می‌کند (اریکسون و برو[2]، ۲۰۲۳).

تحقیقات نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری تأثیر زیادی بر سلامت هیجانی و روانی کودکان دارند. فرزندپروری حمایتی که بین راهنمایی و استقلال تعادل برقرار می‌کند، عموماً با عزت نفس بالاتر و مهارت‌های مقابله‌ای بهتر در کودکان در ارتباط است (هوانگ[3] و همکاران، ۲۰۲۶). با این حال، مطالعات نشان داده‌اند که فرزندپروری هلیکوپتری (زمانی که والدین بیش از حد درگیر و کنترل‌کننده هستند) می‌تواند بر رشد فرزندان تأثیر منفی بگذارد (ژانگ و وانگ[4]، ۲۰۲۵). فرزندان والدین هلیکوپتری ممکن است برای ایجاد استقلال و توانایی‌های حل مسئله تلاش کنند؛ تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که آنها ممکن است سطوح بالاتری از اضطراب و استرس را تجربه کنند زیرا فرصت‌های کمتری برای مدیریت چالش‌ها به تنهایی دارند (آلکر[5] و همکاران، ۲۰۲۵). برخی مطالعات، فرزندپروری هلیکوپتری را با رضایت کمتر از زندگی و تنظیم هیجانی ضعیف‌تر در میان نوجوانان و بزرگسالان جوان مرتبط می‌دانند (ژازموهزابیح[6] و همکاران، ۲۰۲۶). از نظر تحصیلی، این کودکان ممکن است بیش از حد به حمایت والدین متکی باشند تا اینکه مهارت‌های خودمدیریتی را توسعه دهند، این وابستگی می‌تواند گذار به بزرگسالی و آموزش عالی را دشوارتر کند (مادیسون[7] و همکاران، ۲۰۲۵).

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که بهزیستی ذهنی فرزندان به شدت تحت تأثیر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی آنها قرار دارد (چانگ[8] و همکاران، ۲۰۲۴؛ کاراکا و براندوا[9]، ۲۰۲۴). طبق نظریه خوتعیین‌گری، سه نیاز کلیدی خودمختاری، شایستگی و ارتباط برای رشد سالم ضروری هستند؛ خودمختاری به این معنی است که کودکان احساس می‌کنند که بر اعمال خود حق انتخاب و کنترل دارند. وقتی این نیاز پشتیبانی شود، کودکان تمایل دارند انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند. شایستگی شامل احساس توانایی و مؤثر بودن در انجام وظایف یا یادگیری مهارت‌های جدید است. کودکانی که شایستگی را تجربه می‌کنند، اغلب عزت نفس و پشتکار قوی‌تری پیدا می‌کنند. ارتباط به احساس دوست داشته شدن، حمایت شدن و ارتباط با دیگران، به ویژه اعضای خانواده و همسالان، اشاره دارد. وقتی کودکان در روابط خود احساس امنیت می‌کنند، از نظر عاطفی پایدارتر و از نظر اجتماعی درگیرتر هستند (اولاسن[10] و همکاران، ۲۰۲۵). تحقیقات به طور گسترده نشان می‌دهد که وقتی این نیازهای روانشناختی برآورده می‌شوند، کودکان سطوح بالاتری از شادکامی و تاب‌آوری را نشان می‌دهند. در مقابل، وقتی این نیازها برآورده نمی‌شوند، کودکان ممکن است استرس، انگیزه کم و بهزیستی ضعیف‌تری را تجربه کنند (کوکسوی و کوتلور[11]، ۲۰۲۳؛ اونگ[12] و همکاران، ۲۰۲۲).

1 Burson & Castelli
2 Eriksen & Bru
3 Huang
4 Zhang & Wang
5 Ülker
6 Zaremohzzabieh
7 Madison
8 Chang
9 Graça & Brandão
10 Olafsen
11 Köksoy & Kutluer
12 Ong

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

طبق نظریه خود تعیین‌گری، کودکان برای ایجاد عملکرد هیجانی سالم به استقلال، شایستگی و ارتباط نیاز دارند؛ رفتارهای والدین به شدت بر ارضاء یا ناکامی این نیازها تأثیر می‌گذارد (دای[1] و همکاران، ۲۰۲۲؛ گوی[2]، ۲۰۲۲). فرزندپروری هلیکوپتری اغلب شامل کنترل بیش از حد و نظارت مداوم است که می‌تواند حس استقلال کودک را محدود کند. وقتی به کودکان اجازه داده نمی‌شود که به طور مستقل تصمیم بگیرند، ممکن است احساس توانایی و اعتماد به نفس کمتری نسبت به توانایی‌های خود داشته باشند. این امر همچنین می‌تواند حس شایستگی آنها را کاهش دهد زیرا والدین مرتباً برای حل مشکلات مداخله می‌کنند (باتول[3] و همکاران، ۲۰۲۴). اگرچه چنین فرزندپروری ممکن است نزدیکی ایجاد کند، اما گاهی اوقات می‌تواند فشاری ایجاد کند که ارتباط سالم را تضعیف می‌کند؛ در نتیجه، ناکامی این نیازهای روانشناختی می‌تواند بر بهزیستی هیجانی کودکان تأثیر منفی بگذارد (وانگ[4] و همکاران، ۲۰۲۵؛ سکی[5]، ۲۰۲۳). پژوهشی نشان می‌دهد که وقتی از استقلال، شایستگی و ارتباط حمایت می‌شود، کودکان تمایل دارند سلامت روان و رضایت از زندگی بهتری را تجربه کنند (لاتاستر[6] و همکاران، ۲۰۲۲؛ شین و پارک[7]، ۲۰۲۲؛ مارتلا[8] و همکاران، ۲۰۲۳).

بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی شامل استقلال، شایستگی و ارتباط، نقش اساسی در شکل‌گیری بهزیستی هیجانی کودکان دارد و شیوه‌های فرزندپروری می‌توانند این نیازها را تقویت یا تضعیف کنند (اوکرای[9]، ۲۰۱۶). والدگری هلیکوپتری به دلیل کنترل بیش از حد، نظارت مداوم و دخالت در تصمیم‌گیری‌های فرزندان، معمولاً فرصت تجربه استقلال و احساس شایستگی را کاهش می‌دهد و در برخی موارد کیفیت ارتباط سالم والد ـ فرزند را نیز مختل می‌کند (شفرین[10] و همکاران، ۲۰۲۱). در نتیجه، ناکامی در ارضاء این نیازهای بنیادین می‌تواند به کاهش سلامت روان و بهزیستی منجر شود. بنابراین، مدل‌های نظری نشان می‌دهند که تأثیرات فرزندپروری بر بهزیستی تا حدودی از طریق ارضای این نیازهای روانشناختی عمل می‌کند. در این راستا یافته‌های پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۲۵) و سکی (۲۰۲۳) از این پشتوانه نظری حمایت کرده‌اند.

بررسی نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی فرزندان، هم از لحاظ نظری و هم از جنبه عملی اهمیت دارد. از لحاظ نظری، این پژوهش، تحقیقات فرزندپروری را با نظریه خود-تعیین‌گری ادغام می‌کند که بر استقلال، شایستگی و ارتباط به عنوان پایه‌های رشد سالم تأکید دارد. مطالعه این میانجیگری به روشن شدن فرآیندهای روانشناختی که از طریق آنها رفتارهای فرزندپروری بر سلامت فرزندان تأثیر می‌گذارند، کمک می‌کند. به جای شناسایی تنها یک رابطه مستقیم، توضیح می‌دهد که چگونه والدگری هلیکوپتری ممکن است با شکل‌دهی به ارضاء این نیازها بر بهزیستی هیجانی تأثیر بگذارد. این امر به درک عمیق‌تر مکانیسم‌های زیربنایی رشد هیجانی فرزندان کمک می‌کند. از جنبه عملی، شناسایی این مکانیسم‌ها می‌تواند والدین، مربیان و مشاوران را در حمایت از شیوه‌های فرزندپروری سالم‌تر راهنمایی کند و در نهایت یافته‌های احتمالی این مطالعه نقش مهمی در توسعه و اجرای مداخلات روانشناختی و آموزشی در اصلاح الگوهای فرزندپروری دارند. با توجه به اهمیت این پژوهش در ابعاد نظری و عملی این مطالعه با هدف تعیین نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی در دانش آموزان انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم شهر ارومیه در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بودند. حجم نمونه در مطالعه حاضر با استفاده از فرمول کلاین[11] (۲۰۲۳) محاسبه شد؛ بر این اساس حجم نمونه ۱۰۰ نفر محاسبه شد؛ به منظور پیشگیری از ریزش احتمالی، حجم نمونه تا ۲۰۰ نفر افزایش یافت. با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس و به صورت آنلاین ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: سن (دامنه سنی ۱۵ تا ۱۸سال)،

1 Day
2 Guay
3 Batool Lataster
4 Wang
5 Seki
6 Lataster
7 Shin, H., & Park
8 Martela
9 Okray
10 Schiffrin
11Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

داشتن رضایت آگاهانه، عدم ابتلا به اختلالات روانشناختی به گزارش فرد، استفاده به شبکه‌های اجتماعی بودند و ملاک خروج از پژوهش، پاسخدهی ناقص به پرسشنامه‌ها بود. به منظور رعایت اصول اخلاق پژوهش و صیانت از حقوق شرکت‌کنندگان، در ابتدای پرسشنامه توضیحات کاملی درباره هدف پژوهش، نحوه استفاده از داده‌ها و شرایط مشارکت ارائه شد. در این توضیحات به طور صریح بر محرمانه ماندن اطلاعات دانش‌آموزان تأکید گردید و به آنان اطمینان داده شد که پاسخ‌هایشان صرفاً در چارچوب اهداف علمی پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد و دسترسی به داده‌ها محدود به پژوهشگر خواهد بود. همچنین تصریح شد که هیچ‌گونه اطلاعات هویتی نظیر نام و نام خانوادگی، کد ملی، شماره تماس یا هر نشانه شناسایی‌کننده دیگری از شرکت‌کنندگان دریافت نمی‌شود و داده‌ها به صورت ناشناس جمع‌آوری و تحلیل خواهند شد. علاوه بر این، بر اختیاری بودن مشارکت در پژوهش تأکید شد همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که تصمیم آنان برای مشارکت یا عدم مشارکت، هیچ تأثیری بر وضعیت تحصیلی، نمرات یا رابطه آنان با مدرسه و معلمان نخواهد داشت. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل معادلات ساختاری و نرم افزار SPSS نسخه۲۱ و Amos نسخه ۲۴ استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس ارضاء نیازهای روانشناختی پایه (BPNSS)[1]: این مقیاس به وسیله دسی و رایان[2] (۲۰۰۰)، ساخته شده است و میزان احساس حمایت (ارضا) از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران را می‌سنجد و شامل ۲۱ سؤال است که بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (۱= اصلا درست نیست الی ۷= بسیار درست است) درجه بندی شده است. این شیوه نمره گذاری برای سؤالات ۳، ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ معکوس است. خرده مقیاس خودمختاری با گویه‌های (۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰)، خرده مقیاس شایستگی با گویه‌های (۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۹)، و خرده مقیاس ارتباط با گویه‌های (۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱) مشخص می‌شود. حداقل نمره ۲۱ و حداکثر ۱۴۷ است، نمرات بالاتر نشان دهنده رضایت فرد از ارضاء نیازها است. روایی این پرسشنامه به روش تحلیل عاملی اکتشافی ۰/۷۳ و ضریب آلفا کرونباخ حاصل از اجرای این پرسشنامه ۰/۹۲ گزارش شده است (دسی و رایان، ۲۰۰۰). در ایران نیز این مقیاس در نمونه های مدیران و دانشجویان ایرانی اجرا شده و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بود به طوری که آلفای کرونباخ این ابزار نیز بین ۰/۷۶ تا ۰/۷۹ بدست آمد و روایی ملاکی با پرسشنامه ذهن آگاهی ۰/۶۹ محاسبه شده است (قاسمی پور و قربانی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای مؤلفه خودمختاری ۰/۷۷، شایستگی ۰/۸۲ و ارتباط ۰/۸۰ بدست آمد.

مقیاس والدگری هلیکوپتری (HPS)[3]: این پرسشنامه دارای ۱۰ سوال است که به منظور درک افراد از شیوه مداخله و کنترل والدین توسط لیموین و باچمن[4] (۲۰۱۱) تهیه شده است. این پرسشنامه در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از (کاملا موافقم=۵ تا کاملا مخالفم=۱) تنظیم شده است، بنابراین دامنه نمرات در این مقیاس بین ۱۰ الی ۵۰ قرار دارد و نمرات بالاتر نشان دهنده والدگری هلیکوپتری بیشتر است (لیموین و باچمن، ۲۰۱۱). بر اساس گزارش لیموین و باچمن (۲۰۱۱) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۱ است. نسبت روایی محتوایی این پرسشنامه ۰/۶۵ و شاخص روایی محتوا ۰/۸۰ است. این پرسشنامه در ایران توسط خیری پور و نیکنام (۱۴۰۱) ترجمه شده است و توسط متخصصین روایی محتوایی آن تایید شد. همسانی درونی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۷ آلفای کرونباخ بود.

پرسشنامه بهزیستی ذهنی (SWBQ):[5] این پرسشنامه توسط کییز و ماگیارمو[6] (۲۰۰۳) با ۴۵ سوال طراحی شده است که سه زیرمقیاس بهزیستی هیجانی[7]، بهزیستی روانشناختی[8] و بهزیستی اجتماعی[9] را اندازه‌گیری می‌کند. در این پژوهش فقط از ۱۲ سوال مربوط به بهزیستی هیجانی استفاده شد؛ نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه از اصلاً (نمره ۱) الی تمام مدت (نمره ۵) انجام می‌شود؛ بنابراین دامنه نمرات در این زیرمقیاس بین ۱۲ الی ۶۰ است و نمرات بالاتر نشان دهنده بهزیستی هیجانی بیشتر است (کییز و ماگیارمو، ۲۰۰۳). شاخص روایی محتوایی این ابزار ۰/۶۸ و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه شده است (کییز و ماگیارمو، ۲۰۰۳). در

1 Basic Psychological Need Satisfaction Scales (BPNSS)
2 Deci & Ryan
3 helicopter parenting scale (HPS)
4 LeMoyne & Buchanan
5 Subjective Well-Being Questionnaire (SWBQ)
6 Keyes & Magyar-Moe
7 Emotional Well-Being (EWB)
8 Psychological Well-Being (PWB)
9 Social Well-Being (SWB)

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

نمونه ایرانی عشقی و حسین زاده قاسم آباد (۱۴۰۵) روایی ملاکی این پرسشنامه را ۰/۷۳ و همسانی درونی بهزیستی هیجانی را ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر همسانی درونی بهزیستی هیجانی ۰/۷۷ آلفای کرونباخ محاسبه شد.

یافته ها

در پژوهش فعلی ۲۰۰ نفر مشارکت داشتند. تمامی نوجوانان، در مقطع دوم متوسطه مشغول به تحصیل بودند. شرکت‌کنندگان در میانگین و انحراف معیار سنی ۱/۷۷±۱۶/۳۵ سال قرار داشتند. ۱۰۰ نفر (۵۰ درصد) دختر و ۱۰۰ نفر (۵۰ درصد) پسر بودند. ۹۷ نفر (۵۲/۲۷ درصد) پایه دهم، ۶۴ نفر (۳۲ درصد) پایه یازدهم و ۶۱ نفر (۳۰/۵۰ درصد) پایه دوازدهم بودند. در جدول ۱ اطلاعات توصیفی متغیرها و روابط بین آن‌ها گزارش شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و ضرایب همبستگی پیرسون

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳
۱- بهزیستی هیجانی	۳۸/۷۱	۷/۴۶	۰/۳۴	-۰/۱۱	۱		
۲- والدگری هلیکوپتری	۲۵/۲۶	۱۱/۶۸	۰/۱۵	-۱/۱۷	-۰/۵۸ **	۱	
۳- نیازهای بنیادین روانشناختی	۸۶/۹۶	۱۲/۸۱	-۰/۸۹	۰/۳۱	۰/۵۴ **	-۰/۵۵ **	۱

بر اساس داده‌های جدول ۱، مقادیر آماره‌های کجی و کشیدگی در بازه‌ی ۲- تا ۲ قرار داشتند؛ این امر بیانگر نرمال بودن توزیع متغیرهاست. همچنین، ضریب مردیا (به‌منزله‌ی شاخص نرمال بودن چندمتغیره) در این پژوهش برابر با ۰/۱۱ محاسبه شد که با توجه به کمتر بودن از مقدار معیار (۸)، نرمال بودن چندمتغیره نیز تأیید می‌شود.با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، برای بررسی روابط خطی میان متغیرها از آزمون پارامتری همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج ضرایب همبستگی در جدول ۲ نشان داد که بهزیستی هیجانی با والدگری هلیکوپتری ($r=-۰/۵۸$) همبستگی منفی و معنادار داشت؛ اما در مقابل با نیازهای بنیادین روانشناختی ($r=۰/۵۴$) همبستگی مثبت و معنادار داشت ($P<۰/۰۵$). همچنین بین والدگری هلیکوپتری و نیازهای بنیادین روانشناختی ($r=-۰/۵۵$) همبستگی منفی و معنادار وجود داشت ($P<۰/۰۵$). پیش از اجرای مدل‌یابی معادلات ساختاری، فروض مربوط به استقلال خطاها و عدم هم‌خطی چندگانه بررسی گردید. نتایج نشان داد که مقدار آماره دوربین–واتسون[1] برابر با ۱/۶۲ بوده و در محدوده‌ی مطلوب ۱/۵۰ تا ۲/۵۰ قرار دارد؛ بنابراین، استقلال باقی‌مانده‌ها تأیید می‌شود. همچنین، مقدار تحمل (تولرانس) برای متغیرهای پیش‌بین و میانجی برابر با ۰/۶۹ به‌دست آمد که نشانگر نبود هم‌خطی بالا و مناسب بودن مدل از این نظر است. در نهایت، برای آزمون مدل مفهومی پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری با برآوردگر حداکثر درست‌نمایی استفاده شد. ضرایب مسیرهای به‌دست‌آمده در شکل ۱ نمایش داده شده‌اند.

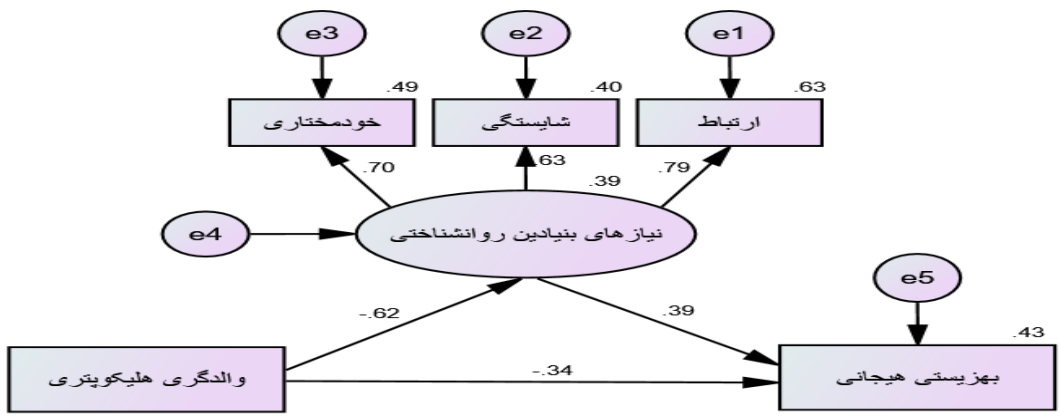

شکل ۱: مدل برازش شده پژوهش در حالت استاندارد

1 Durbin-Watson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

با توجه به نتایج شکل ۱ بر اساس ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی ۴۳ درصد از واریانس را پیش‌بینی کرد؛ در ادامه ضرایب مسیرهای مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای مدل معادلات ساختاری

مسیرهای مستقیم	ضریب مسیر	خطا استاندارد	مقدار t	حد پایین	حد بالا	معناداری
والدگری هلیکوپتری ---> بهزیستی هیجانی	-۰/۳۴	۰/۰۹	-۴/۳۱	-۰/۵۰	-۰/۱۰	۰/۰۱
نیازهای روانشناختی ---> بهزیستی هیجانی	۰/۳۹	۰/۱۰	۴/۱۷	۰/۱۶	۰/۶۴	۰/۰۱
والدگری هلیکوپتری ---> نیازهای روانشناختی	-۰/۶۲	۰/۰۵	-۷/۵۲	-۰/۷۱	-۰/۵۱	۰/۰۱

نتایج در جدول ۲ نشان داد که والدگری هلیکوپتری به‌طور منفی (β=-۰/۳۴) و نیازهای روانشناختی به‌طور مثبت (β=۰/۳۹) با بهزیستی هیجانی رابطه مستقیم داشت (P<۰/۰۵). والدگری هلیکوپتری به‌طور منفی (β=-۰/۶۲) با نیازهای روانشناختی رابطه مستقیم و معنادار داشت (P<۰/۰۵)؛ در واقع می‌توان گفت روابط مستقیم در متغیرهای مدل معنادار است در ادامه، نتایج تحلیل میانجی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: اثرات میانجی مدل معادلات ساختاری

مسیر میانجی	ضریب مسیر	خطا استاندارد	حد پایین	حد بالا	معناداری
والدگری هلیکوپتری -- نیازهای روانشناختی – بهزیستی هیجانی	-۰/۲۴	۰/۰۹	-۰/۴۸	-۰/۱۰	۰/۰۱

به‌منظور بررسی نقش میانجی از روش بوت استرپ استفاده شد، نتیجه در جدول ۳ نشان داد که نیازهای بنیادین روانشناختی (β=-۰/۲۴) بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). در ادامه شاخص‌های برازش حاصل از مدل پیشنهادی ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش

شاخص‌های برازش	CMIN	P	df	CMIN/DF	CFI	GFI	AGFA	IFI	NFI	RMSEA
مدل پژوهش	۵/۲۸	۰/۳۲	۴	۱/۳۲	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۰۷
معیار تصمیم	-	P>۰/۰۵	-	<۵	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۰۸

نتایج جدول ۴ نشان داد که شاخص‌های برازندگی حاصل از مدل معادلات ساختاری مدل‌یابی نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی از برازش مطلوب برخوردار بود، چرا که مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۷) مطلوب گزارش شد؛ همچنین شاخص نیکویی برازش (GFI=۰/۹۶)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI=۰/۹۲)، شاخص تناسب هنجار (NFI=۰/۹۲)، شاخص تناسب افزایشی (IFI=۰/۹۳) و شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI=۰/۹۴) بیشتر از ۰/۹۰ می‌باشند. همچنین شاخص مجذور خی دو/درجه آزادی (X2/df=۱/۳۲) کمتر از ۵ محاسبه شد که نشان دهنده برازش مطلوب مدل پیشنهادی است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی در دانش آموزان انجام شد. اولین یافته این پژوهش نشان داد که بین والدگری هلیکوپتری با بهزیستی هیجانی دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار داشت؛ این یافته با پژوهش‌های قبلی هوانگ و همکاران (۲۰۲۶)، آلکر و همکاران (۲۰۲۵) و و ژانگ و وانگ (۲۰۲۵) در یک راستا بود. در تبیین این یافته می‌توان به چارچوب‌های نظری فرزندپروری، به‌ویژه نظریه خودتعیین‌گری، والدگری هلیکوپتری اشاره کرد. در این

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

سبک تربیتی، والدین معمولاً برای پیشگیری از شکست یا ناراحتی فرزند، بسیاری از مسائل و چالش‌ها را خود مدیریت می‌کنند و همین امر می‌تواند مانع رشد مهارت‌های مقابله‌ای و احساس شایستگی در فرزندان شود (ژازموهزابیح و همکاران، ۲۰۲۶). همچنین مداخله مکرر والدین ممکن است این پیام ضمنی را به فرزند منتقل کند که او توانایی مدیریت موقعیت‌های زندگی را ندارد، که این امر می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس و افزایش اضطراب منجر شود. از سوی دیگر، وابستگی بیش از حد به والدین ممکن است فرصت تجربه مسئولیت‌پذیری و یادگیری از خطاها را محدود کند. چنین شرایطی می‌تواند در درازمدت احساس ناتوانی، نگرانی و فشار روانی را در فرزندان افزایش دهد (آلکر و همکاران، ۲۰۲۵). علاوه بر این، کنترل زیاد والدین گاهی با کاهش احساس آزادی و اختیار در تصمیم‌گیری‌های شخصی همراه است که می‌تواند نارضایتی هیجانی ایجاد کند (ژانگ و وانگ، ۲۰۲۵).

دومین یافته این پژوهش نشان داد که بین ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی با بهزیستی هیجانی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنادار داشت؛ این یافته با پژوهش‌های قبلی چانگ و همکاران (۲۰۲۴)، اولاسن و همکاران (۲۰۲۵) و کاراکا و براندوا (۲۰۲۴) در یک راستا بود. در تبیین این یافته در چارچوب نظری نیازهای بنیادین روانشناختی می‌توان اینگونه بیان نمود که سه نیاز بنیادین روان‌شناختی شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط از مؤلفه‌های اساسی رشد سالم روانی به شمار می‌روند؛ هنگامی که این نیازها در محیط خانواده به اندازه کافی ارضاء نشوند، افراد ممکن است احساس محدودیت، ناکارآمدی و انزوای اجتماعی را تجربه کنند. ناکامی در نیاز به خودمختاری باعث می‌شود فرد احساس کند کنترل کافی بر تصمیم‌ها و رفتارهای خود ندارد و همین امر می‌تواند به تجربه هیجان‌های منفی مانند اضطراب و نارضایتی منجر شود. همچنین ارضاء نشدن نیاز به شایستگی موجب شکل‌گیری احساس ناتوانی و کاهش اعتماد به توانایی‌های فردی می‌شود که این امر به تضعیف هیجانات مثبت می‌انجامد. از سوی دیگر، وقتی نیاز به ارتباط و تعلق به دیگران به خوبی برآورده نشود، فرد ممکن است احساس طردشدگی یا تنهایی را تجربه کند (اولاسن و همکاران، ۲۰۲۵)؛ چنین تجربه‌هایی به تدریج می‌توانند سطح رضایت هیجانی و احساس خوشایندی فرد از زندگی را کاهش دهند. در نتیجه، عدم ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی با افزایش هیجان‌های منفی و کاهش هیجان‌های مثبت همراه می‌شود. این فرایند در نهایت می‌تواند به افت بهزیستی هیجانی در کودکان منجر شود (کوکسوی و کوتلور، ۲۰۲۳).

سومین یافته این پژوهش نشان داد که بین والدگری هلیکوپتری با ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار داشت؛ این یافته با پژوهش‌های قبلی باتول و همکاران (۲۰۲۴)، دای و همکاران (۲۰۲۲) و گوی (۲۰۲۲) در یک راستا بود. در تبیین این یافته در چارچوب نظری والدگری هلیکوپتری می‌توان بیان نمود که بر اساس چارچوب نظری والدگری هلیکوپتری و نظریه خودتعیین‌گری، این سبک فرزندپروری با مداخله و کنترل بیش از حد والدین در امور فرزندان شناخته می‌شود و می‌تواند زمینه کاهش ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی آنان را فراهم کند. در این سبک تربیتی، والدین معمولاً تلاش می‌کنند بسیاری از تصمیم‌ها و مشکلات فرزندان را خودشان مدیریت کنند و به طور مداوم بر فعالیت‌ها و انتخاب‌های آنان نظارت داشته باشند. چنین رویکردی می‌تواند فرصت تجربه استقلال و تصمیم‌گیری شخصی را از فرزندان سلب کرده و در نتیجه نیاز به خودمختاری آنان را تضعیف کند. همچنین زمانی که والدین بیش از اندازه در انجام تکالیف، حل مسائل و مدیریت چالش‌های زندگی فرزندان دخالت می‌کنند، فرزندان کمتر فرصت می‌یابند توانایی‌های خود را به کار گیرند و احساس کارآمدی و شایستگی را تجربه کنند (باتول و همکاران، ۲۰۲۴). این امر ممکن است به شکل‌گیری احساس وابستگی و تردید نسبت به توانایی‌های فردی منجر شود. علاوه بر این، کنترل و نظارت بیش از حد والدین گاهی می‌تواند رابطه عاطفی طبیعی میان والد و فرزند را به رابطه‌ای مبتنی بر فشار و کنترل تبدیل کند که در آن احساس درک و حمایت عاطفی کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی نیاز به ارتباط و تعلق نیز ممکن است به طور کامل ارضا نشود. در نتیجه، محدود شدن فرصت‌های استقلال، کاهش تجربه شایستگی و تضعیف احساس ارتباط می‌تواند به کاهش ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در فرزندان منجر شود (دای و همکاران، ۲۰۲۲).

چهارمین یافته نشان داد که ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی می‌تواند بین والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی نقش میانجی داشته باشد؛ این یافته با پژوهش‌های قبلی وانگ و همکاران (۲۰۲۵)، سکی (۲۰۲۳) و شفرین و همکاران (۲۰۲۱) در یک راستا بود. در تبیین این یافته می‌توان اینگونه بیان نمود که سبک‌های فرزندپروری می‌توانند از طریق تأثیر بر میزان ارضاء این نیازها، پیامدهای هیجانی فرزندان را تحت تأثیر قرار دهند. والدگری هلیکوپتری که با نظارت و مداخله بیش از حد در امور فرزندان همراه است، ممکن است فرصت تجربه استقلال و تصمیم‌گیری را برای آنان محدود کند و در نتیجه ارضای نیاز به خودمختاری را کاهش دهد. همچنین مداخله مکرر والدین در حل مسائل و مدیریت چالش‌های فرزندان می‌تواند احساس شایستگی و توانمندی آنان را تضعیف کند. افزون بر این، کنترل

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

بیش از حد والدین ممکن است رابطه عاطفی طبیعی و حمایتگرانه میان والد و فرزند را تحت تأثیر قرار داده و احساس ارتباط و درک متقابل را کاهش دهد (شفرین و همکاران، ۲۰۲۱). از این رو، نیازهای بنیادین روان‌شناختی به عنوان سازوکاری عمل می‌کنند که از طریق آن تأثیر سبک فرزندپروری بر وضعیت هیجانی فرزندان منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، والدگری هلیکوپتری با تضعیف ارضای این نیازها می‌تواند بهزیستی هیجانی را کاهش دهد. بنابراین، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌تواند نقش میانجی مهمی در تبیین رابطه میان والدگری هلیکوپتری و بهزیستی هیجانی ایفا کند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۵).

یافته‌های این پژوهش دلالت بر این دارند که والدگری هلیکوپتری هم به صورت مستقیم و هم به واسطه نیازهای بنیادین روانشناختی بر بهزیستی هیجانی دانش‌آموزان اثر دارد. در نتیجه می‌توان گفت که شیوه‌های فرزندپروری والدین، به‌ویژه والدگری هلیکوپتری، نقش مهمی در شکل‌گیری وضعیت هیجانی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. مداخله بیش از حد والدین نه تنها به طور مستقیم بر بهزیستی هیجانی فرزندان اثر می‌گذارد، بلکه از طریق تأثیر بر ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی مانند خودمختاری، شایستگی و ارتباط نیز می‌تواند این بهزیستی را تحت تأثیر قرار دهد.

با وجود نتایج به‌دست‌آمده، این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. نخست آنکه به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم نتایج به همه دانش‌آموزان باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، جمع‌آوری داده‌ها به صورت آنلاین ممکن است بر دقت پاسخ‌ها و میزان کنترل پژوهشگر بر شرایط پاسخ‌دهی تأثیر گذاشته باشد. سوم، استفاده از ابزارهای خودگزارشی می‌تواند تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی یا تمایل افراد به ارائه تصویری مطلوب از خود قرار گیرد. چهارم، ماهیت توصیفی–همبستگی پژوهش امکان استنباط روابط علّی میان متغیرها را محدود می‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و در جوامع آماری گسترده‌تر انجام شوند تا قابلیت تعمیم یافته‌ها افزایش یابد. همچنین انجام مطالعات طولی یا آزمایشی می‌تواند به بررسی دقیق‌تر روابط علّی میان متغیرها کمک کند. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی علاوه بر پرسشنامه‌های خودگزارشی از منابع داده‌ای دیگر مانند گزارش والدین و معلمان یا روش‌های مشاهده‌ای استفاده شود. در نهایت انجام پژوهش‌های مشابه در شهرها و فرهنگ‌های مختلف می‌تواند به مقایسه یافته‌ها و افزایش غنای نتایج در این حوزه کمک کند. بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مدارس کارگاه‌های آموزشی برای والدین برگزار شود که در آن‌ها درباره شیوه‌های فرزندپروری متعادل، اهمیت پرهیز از کنترل و مداخله بیش از حد، و راهکارهای حمایت از استقلال، شایستگی و احساس ارتباط در فرزندان آموزش داده شود. این کارگاه‌ها می‌توانند به والدین کمک کنند تا با شناخت بهتر نیازهای بنیادین روان‌شناختی دانش‌آموزان، شیوه‌های تعاملی مناسب‌تری را در پیش بگیرند و از طریق فراهم کردن فرصت‌های استقلال و مسئولیت‌پذیری برای فرزندان، زمینه ارتقای بهزیستی هیجانی آنان را فراهم سازند.

منابع

خیری پور، ز.، و نیکنام، م. (۱۴۰۰). رابطه بین سبک والدگری هلیکوپتری با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان: نقش واسطه ای خودکنترلی. *اندیشه های نوین تربیتی، ۱۸* (۲)، ۲۱۵-۲۳۱. https://civilica.com/doc/1582556/

عشقی، م.، و حسین زاده قاسم آباد، ع. (۱۴۰۵). اثربخشی شناخت‌درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر بهزیستی ذهنی و کیفیت خواب دانشجویان کمال‌گرا. *رویش روان شناسی، ۱۵* (۱)، ۲۴۰-۲۳۱. http://frooyesh.ir/article-1-6712-fa.html

قاسمی پور، ی.، و قربانی، ن. (۱۳۸۹). بهوشیاری و نیازهای بنیادین روان شناختی در بیماران قلبی-عروقی. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران، ۱۶*(۲)، ۱۶۲-۱۵۴. http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-1047-fa.html

Ansari, S., Khan, I., & Iqbal, N. (2025). Association of stress and emotional well-being in non-medical college students: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*, *368*, 200-223. https://doi.org/10.1016/j.jad.2024.09.029

Batool, S., Sultan, S., & Perveen, S. (2024). Impact of helicopter parenting on social competence: the serial mediation through insecure peer attachment and self efficacy among adults. *Annals of Social Sciences and Perspective*, *5*(2), 261-270. https://doi.org/10.52700/assap.v5i2.388

Burson, S. L., & Castelli, D. M. (2022). How elementary in-school play opportunities relate to academic achievement and social-emotional well-being: systematic review. *Journal of School Health*, *92*(10), 945-958. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/35871539/

Chang, J. H., Bethoux, F., & Plow, M. A. (2024). Subjective well-being, positive affect, life satisfaction, and happiness with multiple sclerosis: A scoping review of the literature. *Rehabilitation Nursing Journal*, *49*(5), 156-168. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/39219021/

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

Day, N., Paas, F., Kervin, L., & Howard, S. J. (2022). A systematic scoping review of pre-school self-regulation interventions from a self-determination theory perspective. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(4), 2454. https://doi.org/10.3390/ijerph19042454

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The" what" and" why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, *11*(4), 227-268. https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1104_01

Eriksen, E. V., & Bru, E. (2023). Investigating the links of social-emotional competencies: emotional well-being and academic engagement among adolescents. *Scandinavian Journal of Educational Research*, *67*(3), 391-405. https://doi.org/10.1080/00313831.2021.2021441

Graça, L., & Brandão, T. (2024). Religious/spiritual coping, emotion regulation, psychological well-being, and life satisfaction among university students. *Journal of Psychology and Theology*, *52*(3), 342-358. https://doi.org/10.1177/00916471231223920

Guay, F. (2022). Applying self-determination theory to education: Regulations types, psychological needs, and autonomy supporting behaviors. *Canadian Journal of School Psychology*, *37*(1), 75-92. https://doi.org/10.1177/08295735211055355

Huang, L., Wu, W., & Yang, F. (2026). Parenting style and subjective well-being in children and youth: A meta-analysis. *Psychological reports*, *129*(2), 927-946. https://doi.org/10.1177/00332941241256883

Keyes, C. L. M., & Magyar-Moe, J. L. (2003). *The measurement and utility of adult subjective well-being. In S. J. Lopez & C. R. Snyder (Eds.),* Positive psychological assessment: A handbook of models and measures (pp. 411–425). American Psychological Association. https://doi.org/10.1037/10612-026

Köksoy, A. M., & Kutluer, M. U. (2023). Motivation to teach as a predictor of resilience and appreciation: An examination in terms of the self-determination theory. *South African Journal of Education*, *43*(2), 1-11. https://hdl.handle.net/10520/ejc-educat_v43_n2_a2

Lataster, J., Reijnders, J., Janssens, M., Simons, M., Peeters, S., & Jacobs, N. (2022). Basic psychological need satisfaction and well-being across age: A cross-sectional general population study among 1709 Dutch speaking adults. *Journal of Happiness Studies*, *23*(5), 2259-2290. https://doi.org/10.1007/s10902-021-00482-2

LeMoyne, T., & Buchanan, T. (2011). Does "hovering" matter? Helicopter parenting and its effect on well-being. *Sociological Spectrum*, *31*(4), 399-418. https://doi.org/10.1080/02732173.2011.574038

Madison, S., Odiorne, R., Kouros, C. D., & Ekas, N. (2025). Associations between helicopter parenting and academic outcomes: the role of entitlement. *Journal of Child and Family Studies*, *34*(7), 1731-1745. https://doi.org/10.1007/s10826-025-03069-0

Martela, F., Lehmus-Sun, A., Parker, P. D., Pessi, A. B., & Ryan, R. M. (2023). Needs and well-being across Europe: Basic psychological needs are closely connected with well-being, meaning, and symptoms of depression in 27 European countries. *Social Psychological and Personality Science*, *14*(5), 501-514. https://doi.org/10.1177/19485506221113678

Okray, Z. (2016). Helicopter parenting and related issues: Psychological well being, basic psychological needs and depression on university students. *Current Research in Education*, *2*(3), 165-173. https://scales.arabpsychology.com/wp-content/uploads/2022/07/helikopter-anne-babalik-olcegi-toad.pdf

Olafsen, A. H., Marescaux, B. P., & Kujanpää, M. (2025). Crafting for autonomy, competence, and relatedness: A self-determination theory model of need crafting at work. *Applied Psychology*, *74*(1), e12570. https://doi.org/10.1111/apps.12570

Ong, A. K. S., Prasetyo, Y. T., Paruli, M. K. C., Alejandro, T. M., Parais, A. S., & Sarne, L. M. B. (2022). Factors affecting students' happiness on online learning during the COVID-19 pandemic: A self determination theory approach. *International Journal of Information and Education Technology*, *12*(6), 555-564. https://doi.org/10.18178/ijiet.2022.12.6.1653

Schiffrin, H. H., Batte-Futrell, M. L., Boigegrain, N. M., Cao, C. N., & Whitesell, E. R. (2021). Relationships between helicopter parenting, psychological needs satisfaction, and prosocial behaviors in emerging adults. *Journal of Child and Family Studies*, *30*(4), 966-977. https://link.springer.com/article/10.1007/s10826-021-01925-3

Seki, T. (2023). The mediating role of perfectionism and the need for social approval in the effect of helicopter parenting on psychological well-being in emerging adults. *International Journal of Educational Research Review*, *8*(2), 343-353. https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/2969562?utm_source=chatgpt.com

Shin, H., & Park, C. (2022). Social support and psychological well-being in younger and older adults: The mediating effects of basic psychological need satisfaction. *Frontiers in Psychology*, *13*, 1051968. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1051968

Ülker, İ., Aydin, M. A., Karabulutlu, C., Aydogdu, N. G., Polat, S., Camli, A., & Yildiz, M. (2025). Helicopter parenting and psychological well-being: impact on adolescents' nutrition attitudes. *BMC psychology*, *13*(1), 199. https://doi.org/10.1186/s40359-025-02509-2

Wang, Y., Boele, S., Bülow, A., Keijsers, L., & Hawk, S. T. (2025). Helicopter parenting and youth affective well-being: Need satisfaction as a within-family mediator. *Journal of Youth and Adolescence*, *54*(8), 1917-1933. https://doi.org/10.1007/s10964-025-02164-1

Zaremohzzabieh, Z., Ahrari, S., Zarean, M., & Roslan, S. (2026). Helicopter Parenting as a Predictor of Academic Achievement and Life Satisfaction Among Emerging Adults at University: A Meta-Analytic Path Analysis Based on Self-Determination Theory. *The Family Journal*, *34*(1), 38-53. https://doi.org/10.1177/10664807241313131

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]

Zhang, R., & Wang, Z. (2025). Effects of helicopter parenting, tiger parenting and inhibitory control on the development of children's anxiety and depressive symptoms. *Child Psychiatry & Human Development*, *56*(6), 1-12. https://doi.org/10.1007/s10578-024-01685-3

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.53]